

یاران روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابهی و با آرزوی موفقیت همه عزیزان در مسیر خدمت به امر الهی و عالم انسانی.

به فرمودهٔ جمال اقدس ابهی "گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته." و از جمله دردهای بیشمار دنیای امروز، مشکلاتی است که در عرصهٔ اقتصادی رخ نموده و بر زندگی همگان، سایه افکنده است. این معضل، بشر امروز را به وادی ناامیدی کشانده است. و او را درمانده و ناتوان از حل معضلات ساخته. غافل از آن که به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء "اساس شرایط اقتصادی در امور معنوی نهفته است." و به هدایت بیت العدل اعظم الهی "راه حل اساسی مشکلات اقتصادی جهان را باید در توجه هم‌زمان به موازین علمی و اصول روحانی، جستجو نمود."

در این برنامه تلاش می‌نمائیم با تأمل بر آثار مبارکه و هدایات بیت العدل اعظم الهی، به بررسی اصول روحانی برای حل مشکلات اقتصادی، پرداخته و در این خصوص باورهایمان را مورد بررسی قرار دهیم.

با این امید که بتوانیم این اصول روحانی را در حیات اقتصادی خود به کار برده و از فوائد آن بهره‌مند شویم.

جاننان خوش باد

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«اساس شرایط اقتصادی در امور معنوی نهفته است که به عالم قلب و روح مرتبط می شود»

ترجمه ای از بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در «The Promulgation of Universal Peace»، ص ۲۳۸.

عنوان: اصلاح اقتصاد در چارچوب شرافت انسانی

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. لوح مبارک حضرت بهاءالله
۳. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء (قسمت اول)
۴. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء (قسمت دوم)

قسمت اداری

۵. قسمتی از پیام بیت العدل اعظم ۲ آوریل ۲۰۱۰ خطاب به احبای ایران
۶. لزوم یک الگوی اقتصادی جدید
۷. اساس شرایط اقتصادی در امور معنوی نهفته است
۸. تأثیر باور قلبی به یگانگی نوع بشر و شرافت انسان در حل مسائل اقتصادی
۹. مشورت
- باور قلبی به یگانگی نوع بشر و شرافت انسان چه تاثیری در رفع مشکلات اقتصادی دارد؟
۱۰. برنامه نوجوانان و نونهالان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۱. انس و الفت
۱۲. مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع

هُوَ اللَّهُ

ای بی نیاز، بندگان و کنیزان را بنواز و آرزوی جمیع را شایان و رایگان ساز. به اوج محبت پرواز ده و با طُیور حدیقه الطاف همراز و دمساز نما. قوتی دیگر بخش و حالتی خوشتر، عطا فرما. چشم از خطا پوش و عزت و برکت در این جهان و آن جهان، عطا فرما. راحت و آسایش ده و به نصایح و وصایای خویش، آرایش بخش و از آزمایش برهان. بخششت جهانگیر است و الطافت مُجیر و دستگیر هر مُستَجیر. عَدَم را موهبت وجود بخشیدی و سرگشتگان را به ظلّ ممدود رساندی و تشنگان را به ماء مُورود، وارد نمودی، گرمی، عَمیم است و فضل و جودت، عظیم. عنایت آفتاب است و مشقّات و مشکلات خلق، ظلمات. پرتوی بینداز و جمیع یاران و اماء رحمن را راحت ساز. تویی مقتدر و عزیز و توانا و تویی دارنده و رهاننده و بیننده و مهربان. ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۳۴۲

۲- لوح مبارک حضرت بهاء الله

یا اباالحسن، به تجارت مشغول باش، علی شان لا یسرک ریحها ولا تحزنک خسارتها کُن فی کل الاحوال راضیاً بما قُدِّر لک من قلم الله المهیمن القیوم... یا اباالحسن، تجارت را به مثابه آسمان ملاحظه کن آفتاب او، امانت است و قمر او، راستی. التجاره سماء الامانه شمسها والصدق قمرها. امانت اعز اشیاء لدی الحق مذکور و در کتاب الهی مذکور. از حق بطلب کل را به این مقام اعزّ اعلی فائز نماید. انه لهو المقتدر القدیر.

پیام آسمانی ج ۲ ص ۲۶

۳-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

تأسیس هر شرکتی باید بر مبادی الهی باشد. اساسش امانت و دیانت و صداقت گردد تا حقوق جمیع ناس، محافظه نماید و روز به روز مغناطیس امانت سبب شود و تأییدات ربّ العزّه رُخ بگشاید و همچنین شرکت مشروعه باید که آنچه در قوه دارد در حفظ حقوق جزئی و کلی خلق مُجری دارد و امور شرکت را به نهایت اتقان و درستکاری و صیانت اداره نماید. چون چنین گردد شبهه نیست که آن شرکت، مظهر برکت شود و آن انجمن، مغناطیس تأیید حضرت ذوالمنن گردد و در صون و حمایت اسم اعظم از جمیع آفات، محفوظ و مصون ماند.

پیام آسمانی ج ۲ ص ۲۶ و ۲۷

غنا منتهای ممدوحیت را داشته، اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود. و علی الخصوص اگر شخصی عاقل و مُدبّر تشبّث به وسائلی نماید که جمهور اهالی به ثروت و غنای کلی برساند همتی اعظم از این نه و عند الله اکبر مَثوبات، بوده و هست چه که این بلند همت سبب آسایش و راحت و سدّ احتیاجات جمع غفیری از عباد حق گردد. ثروت و غنا بسیار ممدوح، اگر هیئت جمعیت ملّت غنی باشد و لکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سائرین محتاج و مُفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود، این غنا از برای آن غنی، خُسران مُبین است ولی اگر در ترویج معارف و تأسیس مکاتب ابتدائیه و مدارس و صنایع و تربیت ایتام و مساکین، خلاصه در منافع عمومیه صرف نماید، آن شخص عند الحقّ و الخلق، بزرگوارترین سُگان زمین و از اهل اعلیٰ علیین، محسوب.

رساله مدنیّه: صفحه ۳۱

۴- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

ملاحظه فرمائید که مبادی مرعیه اصلیه هر فردی از افراد بشر، جلب منفعت خویش و دفع مضرت است. در فکر آسایش و شادمانی خود است و آرزوی تفرّد در زندگانی می نماید و می کوشد که از جمیع افراد دیگر در راحت و ثروت و عزّت، ممتاز گردد. اینست آرزوی هر فردی از افراد بشر و این نهایت دنائت و بدبختی و پستی فکر است. انسان چون اندکی ترقی فکریابد و همّتش بلند گردد، در فکر آن افتد که عموم عائله را جلب منفعت و دفع مضرت نماید. زیرا راحت و نعمت عموم خاندان خویش را سعادت خود داند و چون فکرش توسّع بیشتر یابد و همّتش بلندتر گردد، در فکر آن افتد که ابناء ملت و ابناء وطن خویش را، جالب منفعت و دافع مضرت شود. هر چند این همّت و فکر از برای خود او و خاندان او بلکه عموم ابناء ملت و وطن او، مفید است ولیکن از برای ملل سائره، مورت ضرر است. زیرا به جان بکوشد که جمیع منافع عالم انسانی را راجع به ملت خویش و فوائد روی ارض را به عائله خود و سعادت کلیه عالم انسانی را تخصیص به خود دهد و همچو داند که ملل سائره و دول مجاوره، هر چه تدنی نمایند، ملت خویش و وطن خود، ترقی نماید تا در قوت و ثروت و اقتدار به این وسیله بر سائرین، تفوق یابد و غلبه کند. اما انسان الهی و شخص آسمانی از این قیود، مبرا است و وسعت افکار و علویّت همّت او در نهایت درجه است و دائره افکار او چنان اتّسع یابد که منفعت عموم بشر را، اساس سعادت هر فردی از بشر داند و مضرت کلّ ملل و دول را، عین مضرت دولت و ملت خویش بلکه خاندان خود بلکه عین مضرت نفس خود شمرد. لهذا به جان و دل به قدر امکان بکوشد که جلب سعادت و منفعت از برای عموم بشر و دفع مضرت، از عموم ملل نماید و در علویّت و نورانیّت و سعادت عموم انسان، بکوشد فرقی در میان نگذارد زیرا عالم انسانی را یک خاندان داند و عموم ملل را افراد آن خاندان شمرد. بلکه هیئت اجتماعیّه بشر را شخص واحد انگارد و هر یک از ملل را عضوی از اعضا شمرد. انسان باید علویّت همّتش به این درجه باشد تا خدمت به اخلاق عمومی کند و سبب عزّت عالم انسانی گردد.

۵- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم ۲ آوریل ۲۰۱۰ خطاب به احبای ایران تحقق عدالت اجتماعی در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که همگان از رفاه نسبی مادی برخوردار و در اکتساب خصائص معنوی، کوشا باشند. بنا بر این، راه حل اساسی مشکلات اقتصادی جهان را باید در توجه هم‌زمان به موازین علمی و اصول روحانی، جستجو نمود. خانواده، محیط مناسبی است که در آن فضایل اخلاقی لازم برای نگرشی صحیح نسبت به منابع مالی و استفاده از آن، می‌تواند شکل گیرد.

حضرت بهاء‌الله در بیان مقتضیات عالم خلقت، تأیید می‌فرمایند که پیشرفت هر امری و تحقق هر هدفی، معلق به وجود اسباب و وسایل است. تعمق در این بیان مبارک به انسان می‌آموزد که پیوسته باید بین هدف و اسباب وصول به آن، تفاوت قائل شد و اجازه نداد که به دست آوردن آنچه وسیله‌ای بیش نیست، جای هدف را در زندگی انسان بگیرد. مثلاً مال و منال در مقام وسیله‌ای ضروری برای نیل به اهدافی متعالی از جمله، معیشت روزانه، ترقی خانواده، خدمت به جامعه و اقداماتی در جهت استقرار مدنیت جهانی، ممدوح و مقبول است. ولی شایسته شأن انسان نیست که کسب آن را به خودی خود، هدف غایی و منظور نهایی زندگی خویش قرار دهد. نکته مهم دیگری که با روح تعالیم الهی مطابقت دارد آن است که، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند بدین معنی که یک هدف هر قدر والا، مفید و شکوه‌مند باشد و یا حصولش برای زندگی فرد و خانواده، ضروری شناخته شود، نیل به آن از راه نادرست و توسل به اسباب ناپسند، جایز نیست. متأسفانه در عصر حاضر برخی از سیاست‌مداران و رهبران اجتماعی و مذهبی و هم‌چنین عده‌ای از کارگزاران بازارهای مالی بین‌المللی، گروهی از مدیران شرکت‌های چند ملیتی و ارباب صنایع و تجارت و جمعی از مردم عادی، تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و علی‌رغم ندای وجدان خویش، این نکته مهم و اساسی را نادیده گرفته، رسیدن به اهداف خود را از هر طریقی مشروع می‌شمرند.

حضرت عبدالبهاء مطلوب بودن ثروت را، مشروط به نحوه کسب و مصرف آن دانسته می‌فرمایند "...غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی، حاصل گردد" و "جمهور اهالی به ثروت و غنای کلی برسند"

و در "امور خیریه" و در راه "ترویج معارف" و تأسیس مدارس و صنایع و پیشبرد تعلیم و تربیت و به طور کلی در جهت منافع عمومی صرف شود.

در این بیان مبارک و معانی لطیفه منیره عدیده آن تعمق نمایند. علاوه بر موانعی که گروهی از متعصبین برای اشتغال و خدمت به جامعه در راه شما ایجاد کرده اند، عوامل منفی متعدد دیگری نیز که زائیده جو مادی گرا و فساد اقتصادی دنیای امروز است، پیروی از روش و سلوک بهائی را در رابطه با امور مالی، صعب و دشوار می سازد. ولی به تاسی از اسلاف روحانی خود، البته از پای ننشسته اید و صمیمانه می کوشید که در محیط خانواده، هم دیگر و به خصوص فرزندان دل بند را بیش از پیش مدد دهید تا بینش خود را نسبت به ثروت و غنا بر اساس نصایح الهی شکل دهند. شایسته است که نسل جوان در بیان مبارک که سعی و کوشش فردی و شمول فضل الهی را شرط ممدوحیت ثروت قرار داده تعمق کنند، در تفاوت بین ثروت حاصله از طریق کوشش فردی در صنعت، کشاورزی، تجارت و هنر و امثال آن و ثروتی که بدون زحمت و یا از طرق ناصواب حاصل می شود، تفکر نمایند و اثرات هر یک را در ترقی روحانی فردی و پیشرفت اجتماعی بررسی کنند و از خود سؤال نمایند که به دست آوردن ثروت از چه طریقی می تواند جاذب تأییدات الهی باشد. بدون شک در خواهند یافت که داشتن فضایل اخلاقی مانند صداقت و امانت، سخاوت و اعانت، عدالت و رعایت حال دیگران و هم چنین نگرش به ثروت به عنوان وسیله ای برای ایجاد دنیایی بهتر، سبب جلب عنایات حق و نهایتاً سعادت دنیوی و آخروی می باشد.

پیام بیت العدل اعظم ۲ آوریل ۲۰۱۰ خطاب به احبای ایران

۶- لزوم یک الگوی اقتصادی جدید

مسائل اقتصادی باید از بنیان، مورد مطالعه مجدد قرار گیرد، به نحوی که همه تجارب بشری و بینش‌هایی که تا کنون در این گونه مباحث در نظر گرفته نمی‌شد، به کار گرفته شود. اقدامات اقتصادی بدون توجه به خصوصیات افراد بشر، یعنی تنها تحصیل منفعت را هدف قرار دادن و انسان را بعنوان وسیله وصول به چنان هدفی به کار بردن، با نیازهای دنیایی که انگیزه و آرزوی عدالت و یگانگی را دارد، ناسازگار است. جامعه انسانی روز به روز بیشتر مجبور می‌شود الگوهای اقتصادی جدیدی بوجود آورد که پایه و اساسش، درک و همدردی با تجارب مشترک و روابط بین افراد بشر و شناختن نقش اساسی خانواده و جامعه، در رفاه اجتماعی باشد. چنین راه‌گشایی فکری، که ناعدوستانه است نه خودخواهانه، باید بر پایه معرفت روحانی و علمی نژاد بشر، استوار باشد...

رفاه عالم انسانی؛ صفحه ۱۹

۷- اساس شرایط اقتصادی در امور معنوی نهفته است

در تعالیم بهائی، عدالت و رفاه اقتصادی تنها وقتی برقرار می شود که پیوند اساسی میان جنبه های روحانی و عملی زندگی به رسمیت شناخته شوند. یک راه حل رضایت بخش برای بحران اقتصادی کنونی جهان آن است که، تغییر عمیقی در قلب و ذهن افراد ایجاد شود و تنها دین است که می تواند این تغییر را به وجود آورد.

وحدتی که حضرت بهاء الله برای نوع بشر، پیش بینی فرموده اند، اتحادی بر اساس عدالت است. یکی از برجسته ترین نمونه های بی عدالتی در جهان امروز، شرایط اقتصادی نامتعادل و ناهنجار است. درصد بسیار کمی از انسان ها ثروت کلانی دارند، در حالی که اکثریت جمعیت جهان در فقر و فلاکت فاحش، به سر می برند. این عدم توازن هم در درون ملت ها و هم میان آنها وجود دارد. علاوه بر این، فاصله ی بین فقیر و غنی مرتباً بیشتر و بیشتر می شود که به خودی خود حاکی از آن است که نظام های اقتصادی موجود، از برقراری یک توازن عادلانه ناتوانند.

یکی از پاسخ های رضایتبخش برای بحران اقتصادی کنونی دنیا، در تحول اساسی قلب و ذهن نهفته است که تنها از عهده ی دین بر می آید. از منظر آیین بهائی، مفروضات متداول مادی گرایانه درباره توسعه اقتصادی، نشان دهنده اشتباه بزرگی در درک مفهوم طبیعت بشری است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "اساس شرایط اقتصادی در امور معنوی نهفته است که به عالم قلب و روح مرتبط می شود"

نیز می فرمایند: "بیماری ای که هیکل سیاست را علیل و گرفتار ساخته است، فقدان محبت و خیرخواهی است."

منابع مادی و انسانی ای که در اختیار ما قرار دارد، باید صرف منافع بلندمدت عموم بشر شود، و نه منفعت کوتاه مدت گروهی قلیل و این تنها وقتی امکان پذیر است که فعالیت های سازمان یافته اقتصادی بر اساس مشارکت و همکاری انجام گیرد. حضرت عبدالبهاء فرموده اند که تعاون، عامل حیات جامعه است، درست همان طور که حیات یک موجود زنده به مشارکت و همکاری میان عناصر تشکیل دهنده ی آن بستگی دارد:

«اساس حیات و وجود، تعاون و تعاضد است و سبب انعدام و اضمحلال، انقطاع این امداد و استمداد. و هر چه رتبه بالاتر آید، این امر عظیم، یعنی تعاون و تعاضد شدیدتر گردد»

کانال اندیشه

۸- تأثیر باور قلبی به یگانگی نوع بشر و شرافت انسان در حل مسائل اقتصادی به نظر می‌رسد، دیدگاهی که می‌تواند بهترین راه را برای تضمین رفاه اقتصادی و اجتماعی کل بشریت هموار کند، آن است که به جای تمرکز صرف بر منافع فردی، بر ارزش‌هایی همچون همبستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری جمعی، عدالت، برابری و حفظ طبیعت، تأکید دارد. این دیدگاه تنها زمانی شکل خواهد گرفت که مفهوم بنیادی حقیقت و ذات روحانی نوع انسان مورد توجه قرار گیرد؛ دیدگاهی که ماهیت انسان را موجودی اجتماعی و دارای نیاز به ارتباط و زندگی جمعی میدانند و بر همکاری و مشارکت افراد جامعه به جای رقابت، تأکید می‌کند. بنابراین، شرافت ذاتی هر فرد یکی از اصول اساسی است که امید به آینده نوع بشر نیز بر آن استوار می‌باشد. در این چشم‌انداز، نیازهای اساسی و رفاه انسان‌ها، ارتقای کیفیت زندگی همگان، حفظ کرامت انسانی، رعایت حقوق همه افراد و محافظت از محیط زیست به عنوان ارزش‌های بنیادین در نظر گرفته می‌شود. توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های برابر برای همگان، از اهداف اصلی اجتماع آینده است و در حقیقت، حیات اقتصادی، عرصه‌ای برای ابراز صداقت، درستکاری، امانت، سخاوت و دیگر خصایص روح انسانی، محسوب خواهد گشت. چنین دیدگاه همه‌جانبه‌ای می‌تواند پایه و اساس مناسبی برای شکل‌گیری نظام اقتصادی-اجتماعی نوینی باشد که در آن، رفاه و سعادت همه افراد بشر محقق می‌شود.

با پذیرش اینکه همه انسان‌ها، عضوی از یک خانواده بزرگ بشری هستند و همگی از شرافت و کرامت ذاتی، برخوردارند، دیدگاه ما نسبت به ثروت و فعالیت‌های اقتصادی، تغییر خواهد کرد. این بینش، پیش فرض‌های گفتمان معاصر را به چالش می‌کشد؛ مفروضاتی از جمله اینکه منفعت طلبی شخصی مروج رفاه است و نه تنها نباید به هیچ وجه محدود شود، بلکه ابراز آن از طریق رقابت‌های بی‌امان، شرط پیشرفت می‌باشد. افکار روحانی جدید با سنجش ارزش افراد بر حسب میزان ثروتی که می‌توانند ذخیره کنند و بر اساس مقدار کالری بیشتری که نسبت به دیگران می‌توانند مصرف نمایند، مطلقاً سازگاری ندارد و از سوی دیگر، با نفی همه جانبه ثروت و آن را ذاتاً نامطبوع و غیراخلاقی شمردن، موافق نیست و ریاضت را نیز منع می‌نماید. در این صورت، ثروت، صرفاً وسیله‌ای برای رفاه مادی نیست، بلکه باید در جهت پیشرفت و شکوفایی همه جانبه بشر، مورد استفاده قرار گیرد، نه به عنوان هدف یا وسیله‌ای برای خودنمایی و قدرت طلبی. ثروت باید در خدمت رفاه و تعالی انسان باشد و استفاده از آن باید با اصول روحانی هم‌خوان باشد. بنابراین، توزیع عادلانه و جلوگیری از انباشت ثروت در دست اقلیتی خاص، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. استثمار انسان و طبیعت، غیراخلاقی و غیر قابل قبول، تلقی می‌شود و در فعالیت‌های اقتصادی، صداقت، اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کنار کار و تلاش، مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، هدف نهایی تمام فعالیت‌های اقتصادی، باید خدمت، پیشرفت و آبادانی جامعه باشد، نه صرفاً سودجویی و سلطه طلبی فردی. با این نگرش، فرد با وقف خود برای خدمت به دیگران، در زندگی خویش، معنا و هدف می‌یابد و به ترقی اجتماع کمک می‌کند. اعتقاد راسخ به پیش فرض‌های جدید در فعالیت‌های اقتصادی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر با ترویج رفاه بیشتر برای همگان باشد. این دیدگاه با از بین بردن تبعیض‌های ناروا، تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای شرایط کاری، توزیع متعادل‌تر درآمدها، و جلوگیری از بهره‌کشی افراطی از منابع و نیروی انسانی، می‌تواند سطح رفاه و معیشت کل جامعه را ارتقاء دهد و پایداری اقتصادی را، تضمین نماید.

گفتمان‌های اصلاح عالم جلد اول